

## جایگاه جامعان قرآن و ارزش گذاری مصاحف آنان

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۳

حسین الوند سرکلته؛ کارشناس تفسیر و علوم قرآن

### چکیده:

یکی از مباحثی که در علوم قرآنی مطرح می‌شود، جمع آوری و تدوین قرآن است. در کتابهای علوم قرآنی از چهار جمع سخن به میان آمده است: جمع صحابه، امام علی علیه السلام، ابوبکر و عثمان. این نوشته در پی پاسخ به این سوال است که از میان جمع‌های فوق کدامیک و بر اساس چه دلایلی از ارزش و اهمیت بیشتری برخوردار بوده است؟

بعضی از اهل سنت عقیده دارند، نخستین جامع قرآن ابوبکر بوده که این کار را با مشورت خلیفه دوم انجام داد و جمع او از ارزش بیشتری برخوردار است؛ اما بررسی منابع روایی و تاریخی و کتابهای علوم قرآنی - اعم از شیعه و اهل سنت - بیانگر این حقیقت است که اولین جامع قرآن، حضرت علی علیه السلام بوده و جمع ایشان از ارزش بیشتری برخوردار است.

علاوه بر ویژگی‌های شخصی حضرت، مانند اعلمیت او در میان صحابه و کاتب وحی نبوی، ویژگی‌های مصحف آن حضرت نیز از دلایل ارزشمندی جمع اوست: ترتیب سوره‌ها بر حسب ترتیب نزول، در بر داشتن نصّ دقیق و قرائت صحیح آیات طبق املائی پیامبر، ذکر شان نزول، زمان و مکان نزول آیات، مشخص نمودن آیات محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، در بر داشتن تفسیر و تاویل آیات طبق نقل پیامبر و نیز تقدم جمع حضرت بر جمع ابوبکر و عثمان از دلایل ارزشمندی جمع حضرت محسوب می‌شود.

کلید واژه‌ها: جمع قرآن، مصاحف صحابه، جمع امام علی علیه السلام، جمع زیدبن ثابت، توحید مصاحف.

### مقدمه:

یکی از مسائلی که همواره از سوی دانشمندان علوم قرآنی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است بحث جمع آوری و تدوین است. اینکه قرآن چند نوبت، در چه زمان‌هایی و توسط چه افرادی جمع آوری شده است در کتابهای علوم قرآنی مطرح شده است. مطالعه و بررسی کتابهای مختلف علوم قرآنی - اعم از شیعه و اهل سنت<sup>۱</sup> روشن می‌سازد که چهار نوبت جمع در این کتابها مطرح شده است. این چهار جمع عبارتند از:

۱. جمع برخی از صحابه در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛
۲. جمع حضرت علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر؛
۳. جمع زیدبن ثابت به دستور خلیفه اول؛
۴. جمع خلیفه سوم.

اما مسئله‌ای که در این کتابها کمتر مورد توجه قرار گرفته یا اصلا به آن اشاره نشده، بحث ارزش‌گذاری کار جامعان قرآن است. بدین معنا که کدام یک از جمع‌های فوق از ارزش و اهمیت بیشتری نسبت به سایر جمع‌ها برخوردار بوده است؟ و نیز در برخی مقالات مانند مصحف علی علیه السلام از منظر احادیث (علی اصغر ناصحیان) تنها مصحف حضرت علی علیه السلام ارزش گذاری شده است.

بدون تردید هر یک از این جمع‌ها، دارای ویژگی و کیفیت خاصی بوده که آن را از دیگری متمایز ساخته، ارزش کار هر یک را متفاوت می‌سازد. در بیشتر کتابهای علوم قرآنی و بخصوص کتاب‌های اهل سنت، بدون اینکه دلایل محکمی ارائه شود از یک جمع بیشتر سخن رانده، آن را مهمتر جلوه داده‌اند و فضیلتی برای صاحب آن دانسته‌اند.



این نوشته در پی آن است پس از بررسی اجمالی این چهار نوبت جمع، به ارزش گذاری کار جامعان قرآن بپردازد و به این سوال پاسخ دهد که به راستی کدام یک از این جمع‌ها و براساس چه دلایلی از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار بوده است؟

### معنای جمع قرآن

واژه جَمْعُ بر وزن فَعْلُ از جَمَعَ يَجْمَعُ در لغت به معنای گردآوری چیزهای پراکنده و ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر آمده است؛<sup>۲</sup> اما این واژه در اصطلاح، معانی متعددی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. حفظ کردن و به خاطر سپردن آیات (حفظ در صدور). در این معنا، «جَمَاعُ الْقُرْآن» به معنای «حفاظ قرآن» است.

۲. کتابت و ثبت تمام قرآن در قالب اوراق و نوشته‌ها (کتابت در سطور).<sup>۳</sup>

۳. گردآوری مجموعه آیات هر سوره در قالب اوراق پراکنده و متفرق.

۴. گردآوری تمامی آیات در مجموعه واحد و ترتیب سوره‌ها و قرار دادن آن بین دو جلد<sup>۴</sup> (بین الدفتین).

مقصود از «جمع» در این بحث معنای چهارم است. بنابراین جمع قرآن یعنی گردآوری تمام آیات هر سوره و ترتیب سوره‌ها و قرار دادن آنها بین دو جلد (بین الدفتین) به صورت یک مصحف.

مراد از مصحف نیز مجموعه صحیفه‌ها و ورقه‌هایی است که در آن آیات هر سوره به ترتیب و پشت سر هم بین دو جلد قرار گرفته‌اند.<sup>۵</sup>

### جمع آوری قرآن

دانشمندان علوم قرآنی درباره زمان جمع قرآن و نحوه آن به صورت یک مصحف دچار اختلاف هستند.



عده‌ای عقیده دارند قرآن کریم به طور قطع در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله جمع آوری گردید. کاتبان وحی، تمامی آیات نازل شده را بر روی نوشت افزارهای مختلف نوشته، یک نسخه به پیامبر می‌دادند و یک نسخه نزد خود نگه می‌داشتند. بدین ترتیب تمامی آیات قرآن در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نوشته و جمع آوری گردید. حتی برخی گفته‌اند کل قرآن به صورت جدا و در ورقه‌های مختلف در خانه پیامبر بود؛ اما با نخ و طناب به یکدیگر بسته شده بود.<sup>۶</sup>

برخی قرآن پژوهان نیز عقیده دارند هر چند تمامی قرآن در زمان پیامبر نوشته شد؛ اما پراکنده بوده و به صورت مصحف در نیامده بود و نوشت افزارهای مختلف وجود داشت و جمع قرآن و تألیف آن بین دو جلد و به صورت مصحف به طور حتم پس از رحلت پیامبر انجام گرفته است.<sup>۷</sup>

البته طبق آنچه در تاریخ نقل شده و بعضی از دانشمندان علوم قرآنی در کتابهای خود آن را بیان کردند، برخی از اصحاب پیامبر در زمان حیات ایشان دارای مصاحفی بودند که قابل انکار نیست. افرادی مانند عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب انصاری و حتی شخص حضرت علی علیه السلام دارای مصحف بودند که برخی نام آن را «مصحف شخصی» گذاشتند.<sup>۸</sup> در این نوشته سعی می‌شود بنابر ترتیب زمانی، به بررسی جمع قرآن، ویژگی و سرنوشت آن پرداخته شود. بنابراین بحث را از جمع صحابه - که در زمان حیات پیامبر دارای مصحف بودند - آغاز می‌کنیم.

#### ۱. جمع صحابه:

بعضی از دانشمندان علوم قرآنی عقیده دارند، صحابه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اقدام به جمع آوری قرآن نمودند.<sup>۹</sup>



اما بر طبق آنچه در تاریخ نقل شده و قرآن پژوهان نیز بدان صحه گذاشته‌اند برخی از صحابه در همان زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله اقدام به جمع قرآن کردند.

ابوعبدالله زنجانی می‌نویسد: بعضی از صحابه، تمام قرآن را در عهد پیامبر جمع کردند و گروهی آن را جمع کرده و پس از پیامبر آن را کامل نمودند. این افراد عبارتند از: حضرت علی علیه السلام، عمر و بن زید، ابوالدرداء، معاذبن جبل، زیدبن ثابت و...<sup>۱۱</sup>

و نیز روایتی از بخاری نقل می‌کند که در آن قناده از انس بن مالک پرسید چه کسانی در زمان پیامبر، قرآن را جمع آوری نمودند؟ انس جواب داد: چهار نفر که همه از انصار بودند: ابی بن کعب، معاذبن جبل، زیدبن ثابت و ابوزید(ثابت بن زید).<sup>۱۱</sup>

در اینکه کدام یک از صحابه ابتدا به جمع قرآن مبادرت ورزید، معلوم نیست. گفته می‌شود اولین کسی که قرآن را در یک مصحف جمع کرد، سالم غلام حدیفه بود که نام آن را مصحف نهاد.<sup>۱۲</sup>

دانشمندان علوم قرآنی از افراد دیگر مانند «عبدالله بن مسعود»، «ابو موسی اشعری»، «مقداد بن اسود»، به عنوان کسانی که دارای مصحف بودند، نام بردند؛ اما هیچ یک مشخص نکردند از نظر زمانی کدام یک قبل از دیگران اقدام به این کار نمود.

آنچه در این کتابها بیان شده آن است که هر کدام از این مصاحف بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در منطقه خاصی از موقعیت ممتازی برخوردار شدند.

مصحف «ابن مسعود» با استقبال مردم کوفه روبه رو شد و مصحف «ابی ابن کعب» مورد توجه مردم شام قرار گرفت. مردم بصره نیز مصحف «ابوموسی اشعری» را که آن را «لباب القلوب» نامیده بود، انتخاب کردند. مردم هر منطقه، آیات قرآن را طبق قرائت مصحف همان منطقه، قرائت می‌کردند و نسبت به آن تعصب خاصی داشتند که گاهی در اجتماعات مسلمانان مانند جنگها باعث درگیری بین مردم مناطق مختلف اسلامی می‌شد.<sup>۱۳</sup>



نکته‌ای که ذکر آن در اینجا لازم است، اینکه - همانگونه که از زنجانی نقل شد حضرت علی علیه السلام قبل از رحلت پیامبر نیز دارای مصحف بودند.<sup>۱۴</sup> آن حضرت به دستور پیامبر پس از رحلت، اقدام به جمع قرآن کردند که آن مصحف، مصحف قبل از رحلت حضرت را تحت الشعاع خود قرار داد و به همین دلیل در کتابهای علوم قرآنی، از مصحف نخستین حضرت، ذکر چندانی به میان نیامده است.

#### ۱-۱. ویژگیهای مصاحف صحابه

هر یک از مصاحف صحابه دارای ویژگی خاصی بود که به سبب آن، از دیگران متمایز می‌شد. به عنوان مثال ترتیب سوره‌های مصاحف با یکدیگر متفاوت بود. ترتیب سوره‌های مصحف ابن مسعود بدین صورت بود: «بقره، نساء، آل عمران، اعراف، انعام، مائده و...» اما ترتیب مصحف ابن کعب اینگونه بود: «فاتحه، بقره، نساء، آل عمران، انعام، اعراف، مائده و...»

یعنی ابن کعب مصحف خود را با سوره فاتحه آغاز کرد؛ اما ابن مسعود با سوره بقره و نیز ابن کعب بر خلاف ابن مسعود، مصحف خود را با معوذتین (قلق و ناس) خاتمه داد.<sup>۱۵</sup>

و از ترتیب فوق روشن می‌شود که ترتیب سوره‌های آن مصاحف با ترتیب سوره‌های قرآن فعلی متفاوت بوده است. علاوه بر ترتیب سوره‌ها، مصاحف در قرائت برخی از کلمات و آیات نیز دارای اختلاف بود که همین مسئله یکی از انگیزه‌های توحید مصاحف و یکسان کردن قرائت آیات در زمان خلیفه سوم گردید.

این مصاحف در برخی ویژگیها مشترک بودند که عبارتند از:

الف) سوره‌های «طوال» یعنی هفت سوره بزرگ: بقره، آل عمران، نساء، اعراف، انعام، مائده و یونس در اول مصحف قرار داشت.



ب) پس از آنها سوره‌های «مئین» یعنی سوره‌هایی که حدود یکصد آیه دارند (حدود دوازده سوره) ضبط شده بود.

ج) سپس «مثنائی»: یعنی سوره‌هایی که تعداد آیات آنها کمتر از یکصد آیه است - که حدود بیست سوره است - قرار می‌گرفت.

د) پس از مثنائی «حوامیم» قرارداد شد یعنی سوره‌هایی که با (حم) آغاز می‌شوند و هفت سوره است.

ه) پس از آنها «ممتحنات» قرار داشت که نزدیک به بیست سوره است.

و) آخرین قسمت «مفصلات» بود که از سوره «الرحمان» تا آخر قرآن را شامل می‌شد. علت نامگذاری آنها به این نام، نزدیکی فواصل آنها و زیادتی فصول آنها بود.<sup>۱۶</sup>

## ۲-۱. سرنوشت مصاحف صحابه

به طور قطع هیچ یک از مصاحف صحابه امروز در بین ما نیست. بر طبق آنچه در تاریخ ضبط است پس از آنکه کار نسخه برداری مصاحف عثمانی به پایان رسید و به مناطق مختلف فرستاده شد، او دستور داد تمامی قرآن‌هایی که با مصاحف مذکور اختلاف داشتند، اعم از اینکه در قالب اوراق باشد یا به صورت مجموعه‌ای در آمده باشد، سوزانده یا با آب شسته شود و همه مسلمانان تنها به مصاحف عثمانی تمسک کنند تا ریشه اختلاف قطع گردد. صحابه نیز به دستور عثمان پاسخ مثبت دادند، مگر ابن مسعود که نه تنها از سوزاندن مصحف خود امتناع کرد، بلکه به دیگران نیز توصیه می‌کرد به دستور عثمان توجه نکنند؛ اما سرانجام وی نیز از عقیده خود برگشت و نظر جمع را پذیرفت.<sup>۱۷</sup>

زرقانی تصریح می‌کند مصاحف صحابه مانند ابن مسعود، ابن کعب، علی علیه السلام و... تنها به صورت گزارش در تاریخ ماندند و آنها به دستور خلیفه سوم یا با آب شسته و یا سوزانده شدند.<sup>۱۸</sup>



## ۲. جمع حضرت علی علیه السلام

یکی از مسائل مورد اتفاق شیعه و اهل سنت، وجود مصحف امام علی علیه السلام است. در روایت اهل سنت عده‌ای به مسئله وجود مصحف امام علی علیه السلام و کیفیت آن اشاره کردند و عده‌ای به زمان انجام آن توسط حضرت پرداخته و بعضی علل گردآوری و جمع حضرت را بیان کرده‌اند که قدر متیقن این اسناد، پذیرفتن اصل وجود مصحف امام علی علیه السلام و قبول واقعیت و اصالت داشتن آن در تاریخ است.<sup>۱۹</sup>

به عنوان نمونه سیوطی در *الاتقان* از طریق ابن سیرین نقل می‌کند که علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر فرمود: «سوگند یاد کردم که رداء در نگیرم جز برای نماز جمعه تا اینکه قرآن را جمع آوری نمایم و در نتیجه به جمع آوری آن موفق شدم.»<sup>۲۰</sup>

و سجستانی در «المصاحف» با سند خود از ابن سیرین آورده است: «وقتی پیامبر رحلت کرد علی علیه السلام سوگند یاد کرد که رداء بر دوش نگیرد جز برای نماز جمعه تا اینکه قرآن را در مصحفی جمع کند و این کار را انجام داد. [به ابوبکر گفتند: علی علیه السلام نمی‌خواهد با تو بیعت کند] پس ابوبکر شخصی را نزد آن حضرت فرستاد و به او گفت آیا خلافت و بیعت با مرا مکروه می‌داری؟ علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند نه، من دیدم که در کتاب خداوند چیزهایی افزوده می‌شود. پس با خود گفتم که جز برای نماز رداء بر دوش نگیرم تا قرآن را جمع آوری کنم.»<sup>۲۱</sup>

نکته‌ای که در اینجا قابل توجه است، اینکه در این روایات و کتاب‌های قرآن پژوهان اهل سنت هر چند تصریح نشده است که اولین جامع قرآن حضرت علی علیه السلام باشد؛ اما با توجه به پذیرش اصل مصحف آن حضرت و با توجه به شهادت تاریخ بر جمع آوری قرآن توسط امام علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آنان نا خودآگاه و به طور غیر مستقیم به این مطلب اذعان دارند؛ اما در بین دانشمندان شیعی تردیدی وجود ندارد که حضرت علی علیه السلام اولین کسی بود که بعد از وفات پیامبر و به وصیت پیامبر





اقدام به جمع آوری قرآن نمود. آن حضرت بعد از وفات پیامبر در منزل خود نشستند و مشغول به جمع آوری و مرتب کردن آیات قرآن به ترتیب نزول شدند. در کنار آن، حضرت به شرح و تفسیر آیات مبهم، بیان اسباب نزول و زمان و مکان نزول آیات پرداختند.<sup>۲۲</sup>

امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «رسول خدا به علی علیه السلام فرمود: یا علی! القرآن خلف فراشی فی الصحف و الحریر و القراطیس فخذوه و اجمعوه و لا تصیعوه كما ضیعت اليهود التوراه. فانطلق علی فجمعه فی ثوب اصفر ثم ختم علیه فی بیته و قال لا ارتدی حتی اجمع».<sup>۲۳</sup>

«ای علی! قرآن زیر بستر من در صحیفه‌ها و حریر و کاغذهایی قرار دارد. آن را بگیرید و جمع کنید و آن را ضایع نکنید، چنانچه یهود تورات را ضایع کرد. پس حضرت علی آن را گرفت و در پارچه‌ای زرد رنگ قرار داد و گفت تا کار جمع قرآن را به پایان نرسانم هرگز عبا بر دوش نخواهم گرفت.»

و در روایتی دیگر حضرت علی به طلحه می‌فرماید: «یا طلحه، ان کل آیه انزلها الله علی محمد عندی باملاء رسول الله و کل حلال و حرام او حد او حکم او شی تحتاج الیه الیه الی یوم القیامه عندی مکتوب باملاء رسول الله و خط یدی حتی ارش الخدش و...»<sup>۲۴</sup>

«ای طلحه همانا هر آیه‌ای که خداوند بر محمد نازل کرد به املائی پیامبر نزد من موجود است که در آن کل حرام و حلال یا حد یا حکم هر چیزی که امت مسلمین بدان محتاج است تا روز قیامت به املائی رسول الله و خط من مکتوب است حتی ارش...»

و در روایت دیگر چگونگی جمع قرآن کریم توسط آن حضرت از سلمان فارسی و ابوذر غفاری نقل شده است<sup>۲۵</sup> و نیز در کتاب کافی، سالم بن سلمه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «حضرت علی علیه السلام هنگامی که از کار جمع قرآن فارغ شدند را بین مردم آوردند و خطاب به آنان فرمود این کتاب خداوند است که بر محمد نازل کرده است و من آن را در بین دو لوح جمع نمودم.»<sup>۲۶</sup>



بنابراین بر طبق روایات شیعه و سنی اصل وجود مصحف امام علی علیه السلام قطعی است و نیز دانشمندان شیعه به طور مستقیم و اهل سنت به طور غیر مستقیم بر این مطلب اذعان دارند که اولین جامع قرآن پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام است.

#### ۱-۲. ویژگی های مصحف امام علی علیه السلام

در دو روایت، حضرت علی علیه السلام ویژگیهای مصحف خود را بیان می‌کنند. در روایتی که ذکر آن گذشت، حضرت به طلحه می‌فرماید: «ای طلحه، همانا هر آیه‌ای که خداوند بر محمد نازل کرد به املائی پیامبر نزد من موجود است که در آن کل حلال و حرام یا حدی یا حکم و هر چیزی که مسلمین بدان احتیاج دارند تا روز قیامت با املائی رسول الله و خط من مکتوب است حتی ارش خدش.»<sup>۲۷</sup> در روایتی دیگر حضرت در بیان علت رد این مصحف از سوی دیگران به ویژگی های مصحف خود اشاره می‌کند و می‌فرماید: «به تحقیق کتاب قرآن به صورت کامل حاضر شده است در حالی که مشتمل بر تأویل و تنزیل، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ است (حتی) حرف الف و لامی از آن ساقط نشده است.»<sup>۲۸</sup>

با توجه به این دو روایت ویژگیهای مصحف امام علی علیه السلام این چنین بیان شده است:<sup>۲۹</sup>

- ۱) ترتیب سوره‌ها برحسب ترتیب نزول؛
- ۲) داشتن نصّ دقیق کلیه آیات بدون هیچ تغییر و کاستی وبدون غلط املائی، به گونه‌ای که حتی یک «ال» هم از آن ساقط نشده است؛
- ۳) ضبط قرائت آیات آنگونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حرف به حرف قرائت کرده است؛



۴) در بر داشتن توضیحات و ذکر مناسبتی که موجب نزول آیه بوده است (شأن و سبب نزول) و مکانی که آیه در آنجا نازل شده، ساعت نزول آن و افرادی که آیه درباره آنها نازل شده است؛

۵) در بر داشتن تفسیر کامل آیات که از سوی خداوند به پیامبر وحی شده است؛

۶) مشخص نمودن آیات ناسخ و منسوخ؛

۷) مشخص نمودن متشابهات و محکمت و بیان متشابهات.

## ۲-۲. سرنوشت مصحف امام علی علیه السلام

پس از اینکه حضرت علی جمع آوری قرآن را به پایان برد و آن را در مصحفی واحد به ترتیب نزول مرتب کرد، آن را بر شتری حمل نمود، نزد مردمی که در مسجد، اطراف ابوبکر بودند، برد از آن حضرت نقل شده است: «کتاب خدا کامل بر آنان عرضه شد... پس نامه‌های اهل حق و باطل را که خداوند بیان داشته در آن دیدند و دانستند که اگر این مصحف آشکار شود، آنچه را آنان استوار ساخته‌اند، فرو می‌ریزد، گفتند ما را نیازی به آن نیست»<sup>۳۰</sup> و در روایتی از ابوذر غفاری آمده است: «وقتی رسول خدا از دنیا رفت علی علیه السلام بر طبق وصیت پیامبر قرآن را جمع کرد و نزد مهاجر و انصار آورد و به آنان عرضه کرد. ابوبکر آن را گشود و رسواییهای قوم را در آن دید. سپس به عمر نشان داد. عمر بر خواست و گفت: «ای علی آن را بازگردان که نیازی بدان نداریم. پس از آن زید ابن ثابت را آوردند. عمر به او گفت: علی قرآن را نزد ما آورد و رسواییهای مهاجران و انصار نیز در آن بود. رأی ما بر آن است که قرآن را خود گردآوریم و آنچه از اینگونه در آن است حذف کنیم، پس زید خواسته آنان را اجابت کرد»<sup>۳۱</sup>



برخی محققان قرآن پژوه بر این باورند که مصحف امام علی علیه السلام به عنوان سپرده امامت به امامان معصوم واگذار گردیده و هم اکنون در اختیار حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و او پس از ظهور آن را به مردم ارائه خواهد نمود.<sup>۳۲</sup>

### ۳. جمع زیدبن ثابت به دستور ابوبکر

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوبکر به عنوان خلیفه مسلمین زمام امور را به دست گرفت. در آغاز خلافت او مسیلمه کذاب ظهور کرد و با مسلمین به جنگ پرداخت. ابوبکر سپاهی برای نبرد با مسیلمه روانه ساخت که او را کشته و بر آنها پیروز شدند؛ اما در این جنگ عده زیادی از حافظان قرآن به شهادت رسیدند که مورخان تعداد آنها را هفتاد تا پانصد نفر ذکر کرده‌اند.<sup>۳۳</sup>

در بیان انگیزه ابوبکر در جمع قرآن روایت زیر را نقل کرده‌اند:

«زیدبن ثابت گفت: پس از جنگ یمامه مرا احضار کردند و من بر ابوبکر وارد شدم در حالی که عمر بن خطاب در جلسه حضور داشت. ابوبکر گفت: عمر نزد من آمده و به من گزارش کرد که جنگ و کشتاری سخت بر حافظان قرآن وارد آمد. بیم آن دارم که جنگ‌های دیگری پدید آید و بخش مهمی از قرآن از میان برود.

عمر به من گفت: به نظر من مصلحت در آن است که به جمع قرآن امر کنی. زید می‌گوید: من به عمر گفتم چگونه دست اندرکار عملی گردیم که خود رسول خدا بدان دست نیازید؟ عمر گفت: سوگند به خدا این عمل نیکی است. عمر همواره به من مراجعه می‌کرد و اصرار خود را درباره جمع آوری قرآن به من یادآوری می‌کرد تا اینکه خداوند سینه‌ام را برای این کار گشود. به من شرح صدر عنایت فرمود تا سرانجام به مصلحت اندیشی عمر هم عقیده شدم و رأی او را قبول کردم.



زید می‌گوید: ابوبکر به من گفت: تو مرد جوان و در عین حال شخص خردمندی هستی و ما درباره شخصیت تو هیچ گونه تهمت‌هایی را نمی‌بینیم و تو بودی که برای پیامبر وحی و کلام الهی را می‌نگاشتی پس باید به تتبع و پی‌جویی از قرآن بپردازد و آن را جمع آوری کنی. زید می‌گوید: اگر به من تکلیف می‌کردند که یکی از کوهها را جابه‌جا کنم برای من سنگین‌تر از آن نبود که مرا به جمع آوری قرآن مأمور ساختند. من گفتم: چگونه کاری را آغاز کنم که پیامبر آن را انجام نداد؟ ابوبکر نیز در آغاز کردن به این کار اصرار می‌ورزید و پیوسته به من مراجعه می‌کرد تا به انجام آن راضی گشتم و به تتبع و جستجو قرآن برآمدم و قرآن را از روی نوشته‌های روی شاخه‌های خرما و قطعات سنگ سفید ظریف و نیز با استمداد از سینه‌ها و حافظه مردم، فراهم آوردم تا آنگاه که پایان سوره توبه را نزد ابی‌خزیمه انصاری یافتیم که نزد شخص دیگری نیافته بودم [سرانجام صحیفه‌هایی پدید آمد] که تا زمانی که ابوبکر در قید حیات بود این صحیفه نزد او بود و پس از مرگ او در اختیار عمر و سپس نزد دخترش حفصه قرار گرفت»<sup>۲۴</sup>

سیوطی عقیده دارد اولین کسی که قرآن را جمع آوری کرد، ابوبکر بود. او به نقل از خطابی می‌نویسد: تمام قرآن در زمان پیامبر نوشته شده بود؛ اما در یک جای واحد جمع نشده بود و سوره‌هایش مرتب نگشته بود و ترس از این می‌رفت که بعضی از احکام قرآن یا تلاوتش دچار نقص گردد. پس زمانی که با رحلت پیامبر نزول قرآن به پایان رسید، خداوند به خلفاء راشدین الهام کرد که به جمع قرآن بپردازند تا از خطر نابودی و زایل شدن حفظ گردد پس ابتدای جمع قرآن توسط ابوبکر و با مشورت عمر بود.<sup>۲۵</sup>

و نیز از حارث محاسبی نقل شده است: نوشتن قرآن چیز بی سابقه‌ای نبود و پیامبر خود به نوشتن آن امر می‌کرد؛ اما آیات قرآن به صورت نوشته‌هایی روی استخوان‌ها و پوست درختان خرما پراکنده بود. ابوبکر دستور داد که آنها را در مجموعه‌ای واحد جمع‌آوری و استنساخ کنند. در واقع این مکتوبات به منزله همان اوراقی بود که در منزل پیامبر قرار



داشت. پس آن اوراق پراکنده جمع آوری گردید و با رشته‌ای نخ آنها را به هم دوختند تا چیزی از آن ساقط نگردد.<sup>۳۶</sup>

با توجه به مطالب فوق روشن می‌گردد خلیفه اول به طور مستقیم اقدام به جمع قرآن نکرد، بلکه به زیدین ثابت جوان دستور این کار را داد و نیز کار زید استنساخ و جمع آوری بر روی یک نوشت افزار بود.

### ۳-۱. روش جمع زیدین ثابت:

پس از آن که زید به دستور ابوبکر و تشویق عمر کار جمع قرآن را آغاز کرد، روش مناسبی را در پیش گرفت. او که خود از کاتبان و حافظان وحی بود ابتدا از مکتوبات خود در این کار بهره برد؛ اما به آن اکتفا نکرد، بلکه از حافظه مردم و نگارشهای قرآنی دیگران نیز کمک گرفت. در مدینه از سوی ابوبکر اعلان عمومی شد که هر کس آیه‌ای از رسول خدا شنیده یا نوشته است، بیاورد؛ اما برای این کار، زید روش خاصی را در نظر گرفت و آن آوردن دو شاهد بر نزول آیه و نوشتن آن در حضور پیامبر بود.<sup>۳۷</sup>

زید این کار را با دقت انجام داد. میزان احتیاط او به حدی بود که هیچ مکتوبی را نمی‌پذیرفت، مگر آنکه دو نفر شهادت دهند که آن را در حضور رسول خدا نوشته‌اند. حتی ذکر شده عمر آیه رجم را آورد؛ اما چون دو شاهد نداشت از او پذیرفته نشد.<sup>۳۸</sup>

بنابراین روش جمع زید، روش محکم و استواری بود. نوشته‌های موجود صحابه (مصاحف صحابه)، آیاتی که مردم از حفظ بودند، شهادت شاهدان عینی و نوشته‌های شخصی وی منابع خوبی برای جمع او بود. برخی نوشته‌اند علاوه بر منابع فوق، زید از نسخه‌ای که در منزل پیامبر بود نیز استفاده می‌کرد.<sup>۳۹</sup>



### ۲-۳. ویژگی‌های جمع زید:

زرقانی مزایای جمع زید را چنین می‌داند:

۱. قرآن او بر اساس دقیق‌ترین روش تحقیق فراهم گردیده بود.

۲. حاوی آیاتی بود که تلاوت آن نسخ نشده بود.

۳. مورد اجماع امت قرار گرفته و روایت آن متواتر بود.<sup>۴۰</sup>

او بیان می‌دارد هرچند مصاحف برخی صحابه از لحاظ زمانی بر مصحف ابوبکر تقدم داشتند؛ اما با توجه به ویژگی‌ها و مزایای یاد شده، ابوبکر اولین کسی است که قرآن را بدین شیوه جمع نمود. وی می‌گوید این گفته منافاتی ندارد با اینکه صحابه از قبل قرآن را به صورت مکتوب و در قالب اوراق یا مجموعه‌ای مشخص گرد آورده بودند؛ چرا که آن مصاحف امتیازات مصحف ابوبکر را نداشتند.

او در ادامه چنین نتیجه می‌گیرد - و گویی از همان ابتدا در صدد بیان این مطلب بود-: «این گفته که علی علیه السلام اولین کسی بود که بعد از رحلت رسول خدا قرآن را جمع آوری کرد، به تنایبی که از این مبحث به دست داده‌ایم - که ابوبکر اولین جامع قرآن است - لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. حداکثر چیزی که این روایات در این زمینه ثابت می‌کند آن است که علی یا بعضی از اصحاب، قرآن را در مصحفی نوشته بودند؛ اما مصاحف آنان نه امتیازات مصحف ابوبکر را دارا بود و نه مانند آن از اجماع امت برخوردار شد.»<sup>۴۱</sup>

### ۳-۳. سرنوشت مصحف زید:

چنانکه در روایت زیر آمده است، پس از اتمام جمع قرآن توسط وی، صحیفه‌های تهیه شده در اختیار ابوبکر قرار گرفت تا زمانی که او در قید حیات بود. گویا حکومت فقط یک نسخه از آن را نوشت و نزد خود داشت و در اختیار مسلمانان قرار نداد.



به همین دلیل صحابه به آن اعتنایی نکرده، به ترویج مصاحف خود پرداختند و در بلاد مسلمانان، مصحف آنان بر سر زبانها بود. پس از مرگ خلیفه اول، مصحف در اختیار عمر قرار گرفت و سپس نزد دخترش حفصه باقی ماند و در زمانی که خلیفه سوم اقدام به توحید مصاحف نمود آن را از حفصه به امانت گرفت و پس از اتمام کار به او بازگرداند.<sup>۲۲</sup>

و گفته شده است مروان بن حکم خواست آن را از حفصه بگیرد و بسوزاند؛ ولی حفصه از تسلیم آن خوداری کرد تا وقتی که حفصه از دنیا رفت. مروان آن مصحف را گرفت و سوزانید و عمل خود را اینگونه توجیه کرد که آنچه در صحیفه‌های مزبور وجود داشت در مصحف عثمان پیاده شده و در نتیجه به آن نیازی نیست و برای اینکه مبدا در طی مرور زمان در مصحف امام (عثمانی)، تردیدی راه یابد، آن را سوزاندم.<sup>۲۳</sup>

#### ۴) جمع عثمان:

همانطور که بیان شد همزمان با حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخی از اصحاب به جمع آوری قرآن پرداختند و هر یک با مرتب کردن آیات و سوره‌های قرآن، آن را در مصحفی خاص گردآوردند. این مصاحف پس از رحلت رسول خدا مورد استقبال مردم شهرهای مختلف قرار گرفت و هر منطقه‌ای از مصحف خاص بهره بردند. چون جامعان این مصاحف با یکدیگر در ارتباط نبودند و هر یک از آنها تمامی قرآن را به صورت مکتوب در اختیار نداشتند، این مصاحف از نظر روش، ترتیب و بخصوص قرائت با یکدیگر یکسان نبوده، اختلافات عمده‌ای داشتند و با توجه به گسترش قلمرو حکومت اسلام و افزایش روز افزون مسلمانان و احتیاج آنها به کتاب الهی، اختلاف در مصاحف، منجر به اختلاف و درگیری بین مسلمانان در شهرهای مختلف می‌گشت به عنوان نمونه از «حذیفه بن یمان» نقل شده است: «در جنگ آذربایجان مردمی از حمص را دیدم که تصور می‌کردند که قرائت آنان از قرائت دیگران بهتر است و آنان قرآن را از «مقداد بن اسود» آموخته بودند. مردم دمشق





قرائت «ابی بن کعب» را بهتر از قرائت دیگران می‌دانستند. اهل کوفه را دیدم که قرائت (ابن مسعود) را پذیرفته بودند. مردم بصره نیز قرائت «ابو موسی اشعری» را پذیرفته بودند.<sup>۴۴</sup>

این مسئله موجب شد جمعی از بزرگان صحابه از عثمان بخواهند درباره این مشکل چاره اندیشی کنند. خلیفه سوم نیز با همفکری بزرگان صحابه اقدام به توحید مصاحف کرد. یعنی تمامی نسخه‌های موجود قرآن را جمع آوری و اختلافات آنها بخصوص اختلاف قرائت را حل کرده، یک مصحف را به نام (مصحف امام) معرفی نمود و در اختیار مسلمین قرار داد.

بخاری در مورد این جمع نقل می‌کند: حذیفه بن یمان پس از جنگ آذربایجان و بازگشت به مدینه نزد عثمان رفته و داستان اختلاف قرائت را برای او نقل کرد و گفت: این امت را دریاب پیش از آنکه گرفتار همان اختلافی شوند که یهود و نصاری به آن گرفتار آمدند.<sup>۴۵</sup>

عثمان پس از مشورت با بزرگان صحابه و اتفاق آنان بر ضرورت توحید مصاحف، اقدام به اجرای آن کرد. نخست در پیامی عام خطاب به اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، آنان را به مساعدت در این عمل دعوت نمود. پس چهار تن از خواص خود را برای این کار برگزید که عبارت بودند از: زید بن ثابت انصاری، سعید بن عاص، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمان حارث بن هشام از قریش. این چهار تن از اعضای اولیه کمیته توحید مصاحف به شمار می‌آمدند که زید بر آنان ریاست داشت؛ اما این کمیته مورد اعتراض و مخالفت برخی از بزرگان صحابه مانند عبدالله بن مسعود قرار گرفت. ابن مسعود نسبت به انتخاب زید به عنوان ریاست این کمیته اعتراض داشت و می‌گفت: «مرا از این کار کنار می‌زنند و آن را به مردی می‌سپارند که قسم به خدا آنگاه که او در صلب مردی کافر بود، من اسلام را پذیرفته بودم.»<sup>۴۶</sup>

کمیته فوق از عهده دستور عثمان برنیامدند؛ چون برای انجام کار چنین بزرگ نیاز به افراد کاردان و با کفایت بود و نیز اعتراض بزرگان باعث شد از چند تن از بزرگان صحابه کمک بگیرند. لذا ابی بن کعب، مالک بن ابی عامر، انس بن مالک، عبدالله بن عباس و برخی دیگر



حسنا، فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث

از صحابه که جمعا دوازده نفر می‌شدند، وارد کمیته گردیدند. در این دوره ریاست با ابی بن کعب بود که او آیات قرآن را املا می‌کرد و بقیه می‌نوشتند.<sup>۴۷</sup>

همچنین این کمیته از نوشته‌های قرآنی «خزیمه بن ثابت انصاری» نیز بهره برد. صحیفه تهیه شده فاقد آیه‌ای از سوره احزاب (آیه ۲۳) بود که همه آن را از رسول خدا شنیده بودند. بعد از مدتی جستجو آیه را نزد «خزیمه» یافتند و در جای خود در سوره احزاب قرار دادند.<sup>۴۸</sup> همچنین زنجانی در کتاب خود به نقل از سید بن طاووس می‌نویسد: «عثمان قرآن را با رأی علی جمع آوری کرد و در حقیقت پشتوانه کار عثمان از جمع و ترتیب قرآن، آگاهی‌های حضرت علی درباره قرآن بوده است.»<sup>۴۹</sup>

پس از اتمام کار «توحید مصاحف» به دستور خلیفه از این مصحف که مصحف امام نامیده شد نسخه برداری کرده، به شهرهای مهم اسلامی مانند: کوفه، مکه، بصره و شام ارسال گردید و مصحف اصلی در مدینه نگه داشته شد.<sup>۵۰</sup>

مصحفی که به هر منطقه فرستاده می‌شد در مرکز منطقه نگهداری و از روی آن نسخه‌های دیگری استنساخ می‌شد تا در دسترس مردم قرار گیرد و تنها قرائت این مصاحف رسمیت داشت و هر قرائتی که با این مصاحف مخالف بود، غیر رسمی و ممنوع شناخته می‌شد. خلیفه همراه هر مصحف یک قاری قرآن نیز به منطقه مورد نیاز اعزام می‌کرد تا قرائت قرآن را مطابق با مصحف اصلی به مردم بیاموزند.<sup>۵۱</sup>

#### ۴-۱. سوزاندن مصاحف مخالف توسط خلیفه سوم

پس از آنکه کار نسخه برداری مصاحف به پایان رسید و به مناطق مختلف ارسال گردید، قرآنهایی که با این مصاحف اختلاف داشتند به دستور خلیفه سوم، سوزانده یا در آب جوش انداخته شد. اعم از اینکه به صورت اوراق بودند یا به صورت مجموعه‌ای واحد.



علت آن چنین ذکر شده که ریشه اختلاف و درگیری قطع گردد و همه تنها به یک مصحف تمسک کنند.<sup>۵۲</sup> بر طبق نقل زرقانی در آن هنگام صحابه بنا به دستور خلیفه سوم، مصاحف خویش را سوزانیدند و در مصاحف عثمان اتفاق کردند. حتی ابن مسعود که ابتدا با مصاحف عثمانی مخالفت کرده و از سوزاندن مصحف خود امتناع کرده بود، وقتی اتفاق صحابه بر آن مصاحف و نیز امتیازات آن مصاحف را مشاهده کرد از عقیده خود بازگشت و نظر جمع را پذیرفت.<sup>۵۳</sup>

#### ۴-۲. فرق بین «جمع» خلیفه اول و خلیفه سوم

در بعضی از کتاب‌های علوم قرآنی، تفاوت بین جمع خلیفه اول و خلیفه سوم بیان شده است. سیوطی به نقل از «ابن تین» و دیگران می‌نویسد: جمع ابوبکر به خاطر ترس از بین رفتن قرآن بود چون آیات در مکان واحدی، جمع نبود و متفرق بود و امکان از بین رفتن آیات پراکنده وجود داشت؛ اما جمع عثمان به خاطر اختلافات زیاد در قرائت آیات بود تا جایی که این اختلاف قرائت، موجب نزاع و درگیری بین مسلمانان می‌شد. بنابراین عثمان با اقدام به توحید مصاحف، اختلاف قرائت‌ها را از بین برد و مصحف واحدی بر طبق لغت قریش ایجاد کرد.<sup>۵۴</sup>

و نیز زرقانی در این باره می‌نویسد: «جمع آوری قرآن در زمان ابوبکر عبارت بود از انتقال و کتابت قرآن در مجموعه‌ای از اوراق. هدف جمع آوری قرآن توسط ابوبکر ضبط و مستند ساختن به صورت مجموعه‌ای مکتوب و مرتب بود تا از بین نرود. و جمع آوری عثمان عبارت بود از انتقال قرآن از مصحف ابوبکر به یک مصحف نمونه، نسخه برداری مصاحفی از آن با ملحوظ داشتن ترتیب آیات و سوره‌ها.»<sup>۵۵</sup>

سینا، فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث

### ارزش گذاری کار جامعان قرآن:

پس از بیان چگونگی و کیفیت چهار مورد جمع قرآن اکنون نوبت به بحث ارزش گذاری کار آنها می‌رسد. سوالی که در اینجا مطرح است این است که به راستی کدام یک از چهار جمع فوق و بر اساس چه دلایلی از ارزش بیشتری برخوردارند؟ با توجه به ویژگی‌های هر یک از مصاحف - که در جای خود بیان گردید و به چند دلیل جمع قرآن توسط حضرت علی علیه السلام از ارزش بیشتری برخوردار است. البته اهل سنت در کتاب‌های علوم قرآنی خود، ارزش کار ابوبکر در جمع قرآن را - که زید بن ثابت آن را انجام داد - بیشتر جلوه داده، آن را فضیلتی برای خلیفه اول دانستند که قرآن را از خطر نابودی نجات بخشید؛<sup>۵۴</sup> اما به دلایل مختلف اثبات می‌گردد که جمع حضرت علی از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار است. این دلایل در سه حوزه: ارزش مصحف امام علی علیه السلام بر همه مصاحف، بر مصحف ابوبکر و بر مصحف عثمانی به صورت جداگانه قابل طرح است.

#### ۱. ارزش مصحف امام علی علیه السلام بر همه مصاحف

برخی از دلایل اهمیت و ارزش جمع امام بر سایر مصاحف، در هر سه حوزه قابل طرح است که عبارتند از:

#### ۱-۱. علم امام علی علیه السلام:

اولین دلیل در ویژگی‌های شخصی حضرت علی علیه السلام است. حضرت به عنوان شاهد وحی، آگاه به کتاب الهی و وارث علم نبوی بود و داناترین فرد صحابه در تفسیر قرآن به شمار می‌رفت. شعبی می‌گوید: «ما احد اعلم بکتاب الله بعد نبی الله من علی بن ابیطالب» بعد از پیامبر هیچ کس از علی بن ابیطالب عالمتر به کتاب الهی نیست.<sup>۵۷</sup>

سیوطی در مورد عظمت علمی امام علی علیه السلام روایت زیر را از معمر نقل می‌کند: شاهد بودم که علی علیه السلام خطبه می‌خواند و می‌گفت: «سلونی فوالله لا تسألونی عن شی الا



اخیرتکم سلونی عن کتاب الله فوالله ما من آیه و انا اعلم ابلیل نزلت أم بنهار، أم فی سهل أم فی جبل؟»<sup>۵۸</sup>

«از من بپرسید که به خدا سوگند پاسخ تمامی سوالات شما را می‌دهم، از کتاب خدا سوال کنید، به خدا قسم آیه‌ای از آیات قرآن نیست، مگر اینکه می‌دانم آیا در شب نازل شده است یا در روز، در زمین هموار نازل شده است یا در کوه؟»

از ابن عباس نیز نقل شده است: «ما علمی و علم اصحاب محمد فی علم علی الا لقطره فی سبعة ابحر.»<sup>۵۹</sup> علم من و علم اصحاب پیامبر نسبت به علم علی علیه السلام نیست مگر مانند قطره‌ای در هفت دریا و نیز از او نقل شده است: «آنچه از تفسیر فرا گرفتم سراسر آن از علی ابن ابی طالب است.»<sup>۶۰</sup>

۱-۲. کاتب وحی نبوی در مکه و مدینه و شاگرد خصوصی پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی به عنوان کاتب وحی در زمان حیات رسول خدا هم در مکه و هم در مدینه، آیات قرآن را به گونه‌ای نوشت و جمع کرد که حتی الف و لام هم از آن ساقط نشده است. آن حضرت تمامی آیاتی که از سوی خداوند بر پیامبر نازل می‌شد را به املائی شخص پیامبر می‌نوشت و نزد خود نگه می‌داشت و قرائت دقیق آیات را ضبط می‌کرد و تفسیر تمامی آیات را از پیامبر فرا می‌گرفت. می‌توان گفت در این زمینه حضرت شاگرد خصوصی پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می‌رفت و پیامبر بسیاری از علوم مربوط به قرآن را به حضرت تعلیم دادند و حضرت تمامی سخنان پیامبر را در مصحف خویش آوردند و این نشان می‌دهد مصحف امام علی علیه السلام از نظر علمی در جایگاه رفیعی قرار داشت. از حضرت علی نقل شده است: «ای طلحه همانا هر آیه‌ای که خداوند بر پیامبر نازل کرد به املائی رسول خدا نزد من موجود است.»<sup>۶۱</sup>



و نیز فرمودند: «و لیست منه آیه آلا و قد أقرانها رسول الله و علّمنی تأویلها»<sup>۶۲</sup>؛ هیچ آیه‌ای نیست مگر آنکه رسول خدا آن را بر من قرائت کرد و تأویل آن را به من آموخت.

### ۱-۳. در برداشتن تفسیر و تأویل آیات

پیامبر در زمان حیاتشان در کنار تعلیم قرآن به تفسیر و تأویل آیات اهتمام می‌ورزید به همین دلیل در بسیاری از مصاحف صحابه کم و بیش نکات تفسیری ثبت شده بود. از جمله روایت شده حفصه، همسر پیامبر به شخصی که برای او مصحف می‌نوشت، گفت: هنگامی که به آیه ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾ (بقره: ۲۳۸) رسیدی، به من خبر بده تا آنگونه که رسول خدا قرائت می‌کرد بر تو املا کنم. هنگامی که کاتب به آیه مزبور رسید، حفصه اینگونه املا کرد: (و الصلاة الوسطی و الصلاة العصر) یعنی مراد از صلاة وسطی، صلاة عصر است.<sup>۶۳</sup>

اما هیچ کدام از مصاحف مزبور کلیه بیانات الهی را که از طریق وحی در تبیین آیات و جنبه‌های گوناگون قرآن رسیده بود، در بر نمی‌گرفت، لذا رسول خدا قرآن کریم را با تفسیر و تأویل کامل آن به حضرت علی علیه السلام که امام و مرجع امت مسلمین پس از ایشان بود، املاء فرمود. صفحات این نسخه منحصر به فرد در بیت رسول خدا نگهداری می‌شد تا آنکه در روزهای پایانی عمر خود به علی علیه السلام توصیه فرمودند که آن را با خود برده و صفحات آن را سامان بدهد. مصحفی که از آن نسخه تألیف شد به فرموده امام علی قرآنی بود که تنزیل، تأویل، محکم، متشابه و ناسخ و منسوخ را در بر داشت و یک حرف از آن ساقط نشده بود. مصحف علی بسیار مورد اهتمام پیامبر بود؛ زیرا آنچه از معارف الهی که به پیامبر وحی می‌شد و می‌بایست به امت ابلاغ گردد، با نظارت و املائی رسول خدا در آن مصحف نوشته شده بود.<sup>۶۴</sup>



## ۲. ارزش مصحف امام علی علیه السلام بر مصحف ابوبکر

در باب امتیاز و ارزشمندی جمع قرآن حضرت علی بر جمع ابوبکر که در واقع به دستور او و توسط زید بن ثابت جمع گردیده است، علاوه بر دلایلی که در مبحث گذشته بیان شده است دلایل دیگری نیز وجود دارد.

۱-۲. اقدام به جمع امام علی علیه السلام به توصیه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی شخصا و به تنهایی و به وصیت پیامبر اکرم بنا بر بیان امام صادق<sup>۶۵</sup> - بلا فاصله پس از رحلت ایشان اقدام به جمع قرآن نمودند در حالی که خلیفه اول بنا بر منابع اهل سنت در جمع و تألیف قرآن به طور مستقیم دخالت نداشت، بلکه او به زید بن ثابت دستور جمع قرآن را داد و این زید بود که کار جمع قرآن را به اتمام رسانید.<sup>۶۶</sup>

## ۲-۲. تقدم حضرت علی علیه السلام در جمع قرآن

دومین دلیل بر امتیاز جمع حضرت، تقدم ایشان در جمع قرآن است. بنا بر منابع اهل سنت، حضرت بلافاصله پس از رحلت پیامبر در منزل خود نشستند و از خانه بیرون نیامده، به جمع قرآن کریم پرداختند. کار ایشان پس از شش ماه در سال یازده ق به پایان رسید؛<sup>۶۷</sup> اما دستور ابوبکر و اقدام او برای جمع قرآن مدتهای مدیدی پس از رحلت پیامبر بعد از جنگ یمامه بود و جنگ یمامه در آغاز سال دوم خلافت ابوبکر در ماه ربیع الاول سال دوازده ق آغاز شد. پس از اتمام جنگ بود که خلیفه به زید دستور جمع قرآن را داد.<sup>۶۸</sup>

بنابراین از لحاظ زمانی جمع حضرت بر جمع ابوبکر مقدم است. پس باید گفت اولین جامع قرآن حضرت علی علیه السلام است، نه خلیفه اول. نکته‌ای که در اینجا باید به آن اشاره کرد زیرکی و یا شیطنت علمای اهل سنت است. مسئله تقدم زمانی جمع حضرت مطلب پوشیده-ای نبوده و نیست و با اندک مطالعه در تاریخ به دست می‌آید. البته اهل سنت به طور غیر مستقیم اعتراف بر این مطلب دارند؛ چون همانطور که گذشت آنها به وجود مصحف حضرت



اعتراف می‌کنند، مصحفی که حضرت بلافاصله پس از رحلت پیامبر جمع کردند و این به معنای تقدم زمانی جمع حضرت است؛ اما برخی از علمای اهل سنت بخاطر اینکه جمع حضرت را تحت الشعاع قرار داده و ایشان را اولین جامع قرآن معرفی نکنند با غرض ورزی گفتند: جمع علی علیه السلام به معنای حفظ کردن و به خاطر سپردن است نه گردآوری و تألیف و از آن طرف جمع ابوبکر را به معنای گردآوری و تألیف گرفتند و نتیجه‌گیری کردند که ابوبکر اولین جامع قرآن است.<sup>۶۹</sup>

#### ۲-۳. بیان تفسیر و تأویل، شأن نزول، زمان و مکان نزول آیات در جمع حضرت

کاری که در جمع زید به دستور ابوبکر صورت گرفت این بود که آیات قرآن که در زمان پیامبر بر روی نوشت افزارهای مختلف نوشته بود جمع آوری شده، بر روی یک نوشت افزار باز نویسی شد و این باز نویسی حتی به تدوین و بین‌الدفتین (قرار دادن آیات میان دو جلد مصحف) نرسید؛ اما کاری که حضرت انجام داد علاوه بر جمع آوری و باز نویسی آیات که قبلاً حضرت به عنوان کاتب وحی تمامی آیات را به املائی پیامبر در اختیار داشت به بیان تفسیر و تأویل آیات، شأن نزول، زمان و مکان نزول آنها و نیز قرائت دقیق آیات - آنگونه که پیامبر بر ایشان قرائت کرده بود پرداخت. بنابراین بر هر انسان منصفی روشن است که مصحف امام علی هرگز قابل مقایسه با مصحف زید نبوده و نیست.

#### ۲-۴. اعلمیت امام علی علیه السلام در علوم قرآنی

مطلب مهم دیگر که وجود دارد و در بحث قبلی نیز به آن اشاره شد، اعلمیت حضرت در علوم مختلف قرآنی مانند تفسیر و قرائت نسبت به خلیفه اول است. بررسی برخی منابع اهل سنت می‌رساند<sup>۷۰</sup> که هیچ‌گاه حضرت علی در علوم گوناگون و از جمله علوم قرآنی با خلفای سه‌گانه مقایسه نشده است، بلکه اهل سنت در برابر حضرت





افرادی مانند ابن عباس، ابن مسعود، ابن کعب را بزرگ جلوه داده‌اند. کسانی که اعتراف بر کوچکی خود در برابر عظمت امام علی داشتند و این می‌رساند که هرگز اهل سنت شأن و جایگاهی در این زمینه برای خلفا و بخصوص خلیفه اول نمی‌دیدند که در نوشته‌های خویش صحبتی از آن به میان نیاوردند و مطالب دیگری را عنوان کرده، فضیلت و امتیاز ساختگی برای آنان درست کردند. مانند همین مسئله که خلیفه اول را اولین جامع قرآن معرفی کنند که قرآن را از خطر نابودی نجات داد. سیوطی از دانشمندان اهل سنت می‌نویسد: ده تن از صحابه در تفسیر مشهور بودند: خلفاء چهارگانه، ابن مسعود، ابن عباس، ابن کعب، زید بن ثابت، ابو موسی اشعری و عبدالله بن زبیر و در مورد خلیفه اول می‌نویسد: ولا احفظ عن ابی بکر فی التفسیر الا آثار اقليله جدا لا تکاد تجاوز العشره.<sup>۷۱</sup>

از ابوبکر در تفسیر آثار کمی حفظ شده است که به ده روایت هم نمی‌رسد. یعنی خود سیوطی اعتراف می‌کند که خلیفه اول در تفسیر چیزی ندارد؛ اما در ادامه می‌نویسد از علی علیه السلام روایات بسیاری نقل شده است.<sup>۷۲</sup>

متقی هندی نیز در *کنز العمال فصل فی التفسیر*، حدود ۵۲۰ حدیث در تفسیر را به نقل از پنجاه تن از صحابه آورده است که قریب به سیصد حدیث آن از حضرت علی علیه السلام است.<sup>۷۳</sup>

یعنی بیش از نیمی از احادیث به تنهایی از حضرت علی روایت شد و نیمی دیگر از چهل و نه تن صحابی! که به هیچ وجه قابل مقایسه با دیگران نیست. به همین دلیل است که عالمی سنی مانند شهرستانی را غضبناک ساخته که این سخنان انتقادی را می‌گوید: همه این سخنان و اقوال را باید رها کرد و باید دید چرا جوایب جمع علی بن ابیطالب نشدند؟ آیا علی ابن ابیطالب از زید بن ثابت دارای کارایی افزون‌تری در کتابت قرآن و حفظ و آگاهی در ارتباط با قرآن نبوده است؟ آیا آن حضرت بر سعید بن عاص در آشنایی به عربیت و دستور زبان عربی برتر تلقی نمی‌شد؟ آیا حضرت علی در میان جماعت صحابه به رسول خدا نزدیکتر



نمود؟<sup>۷۴</sup> به راستی با توجه به دلایل فوق ارزش و اعتبار مصحف امام علی نسبت به مصاحف دیگر به خصوص ابوبکر جای تردید دارد؟

### ۳. ارزش مصحف امام علی علیه السلام بر مصحف عثمانی

برخی از دلایل امتیاز جمع امام علی بر جمع عثمان در قسمت‌های قبلی بیان گردید. مانند: تقدم زمانی جمع حضرت، اقدام جمع به توصیه شخص پیامبر و اعلیت حضرت در علوم قرآنی نسبت به صحابه از جمله خلیفه سوم. در ادامه دو دلیل دیگر بیان می‌شود.

#### ۱-۳. غنی بودن محتوای مصحف امام علی علیه السلام

جمع عثمان هر چند بر خلاف جمع ابوبکر به صورت مصحف درآمد؛ اما مانند آن نسخه برداری و استنساخ به شمار می‌رفت و نیز عاری از هرگونه نکات تفسیری بود؛<sup>۷۵</sup> اما مصحف امام علی علاوه بر جمع آوری آیات حاوی نکات تفسیری و تاویل و قرائت صحیح آیات بود که همه را پیامبر به حضرت تعلیم داده بود.

#### ۲-۳. برتری مصحف امام علی علیه السلام در قرائت آیات

مهمترین ویژگی جمع عثمان از بین بردن اختلاف قرائتها و یکسان کردن آن بود.<sup>۷۶</sup> این اقدام در جای خود گامی مهم در رفع اختلافات بین مسلمانان بود؛ اما آنچنانکه باید مؤثر واقع نشد و این اختلاف قرائت پس از آن نیز باقی ماند؛ اما این ویژگی در برابر ویژگی‌های جمع حضرت امتیاز بزرگی به شمار نمی‌آید. چرا که یکی از ویژگی‌های مصحف حضرت این بود که حضرت، آیات را به طوردقیق براساس قرائت پیامبر نوشته بود و خود فرمودند: «هیچ آیه‌ای از آیات قرآن نیست مگر اینکه رسول خدا آن را بر من قرائت کرد.»<sup>۷۷</sup> یعنی قرائت مصحف حضرت علی علیه السلام همان قرائت رسول خدا بود که اگر مورد استقبال مسلمانان قرار می‌گرفت هیچ اختلافی در قرائت آیات بوجود نمی‌آمد.



و همچنین در بحث جمع عثمان بیان شد که ابتدا زید بن ثابت و پس از او، ابی بن کعب مسئولیت «توحید مصاحف» را بر عهده داشتند و بنا بر گواهی دانشمندان اهل سنت مقام علمی این دو (زید و ابی) در برابر عظمت مقام علمی حضرت ناچیز بود. مهارت و آگاهی افزون حضرت در امر قرائت چنان بود که قرائت متداول میان مسلمانان (قرائت عاصم) قرائتی است که روایات آن به امام علی علیه السلام منتهی می‌شود.<sup>۷۸</sup> برخی ارزش مصحف امام علی را مربوط به این حقیقت دانستند که قرائت چهار تن از قراء سبعة به قرائت حضرت بر می‌گردد:<sup>۷۹</sup>

۱. ابو عمر و بن علاء که بر نصرین عاصم و یحیی بن یعمر قرائت کرد و آن دو بر ابی الأسود و او بر حضرت علی علیه السلام.
  ۲. عاصم بن ابی النجود که بر ابی عبدالرحمان سلمی قرائت کرد و او هم بر حضرت خواند.
  ۳. حمزه بن حبیب زیات که بر حرمان بن اعین قرائت کرد و او بر ابی الاسود و او بر حضرت.
  ۴. کسانی که بر حمزه قرائت کرد و حمزه با سند فوق الذکر بر حضرت علی علیه السلام.
- بنابراین اگر یکسان کردن قرائت قرآن کریم را مهمترین ویژگی مصحف عثمانی بدانیم باز هم در برابر ارزش کار حضرت بسیار ناچیز است و هرگز قابل مقایسه با جمع امام علی علیه السلام و مصحف حضرت نیست.



## نتیجه

از مجموعه مطالبی که بیان شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. جمع قرآن دارای چهار معناست و مقصود ما از جمع، گرد آوری آیات در سوره و مرتب ساختن سوره‌ها و قرار دادن آنها میان دو جلد است.
۲. در کتابهای علوم قرآنی از چهار جمع بحث شده است: جمع صحابه، امام علی علیه السلام، ابوبکر و عثمان.
۳. هر یک از جمع های فوق دارای ویژگی‌هایی بودند. مصاحف صحابه با سوره‌های طوال آغاز می‌شد و پس از آن سوره‌های مثنی، مثانی و حوامیم قرار داشت؛ ولی در ترتیب سوره‌ها و قرائت آیات اختلاف و جود داشت. مصحف امام علی علیه السلام در بردارنده نص و قرائت دقیق آیات به املائی پیامبر صلی الله علیه و آله، تفسیر و تأویل، شأن نزول و زمان و مکان نزول آیات بود و آیات محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ در آن مشخص بود. جمع ابوبکر که به دستور وی توسط زید بن ثابت صورت گرفت، در واقع استنساخ و رونویسی آیات بود و ویژگی دیگری نداشت. جمع عثمانی هم که به انگیزه توحید مصاحف و یکی کردن قرائت آیات صورت گرفت، رونویسی و استنساخ به شمار می‌رفت.
۴. در میان جمع‌های قرآن بدون تردید جمع امام علی علیه السلام از ارزش و اعتبار بالاتری برخوردار بوده است. علاوه بر ویژگیهای منحصر به فرد مصحف امام که مصاحف دیگر فاقد آن بودند- دلایلی مانند اعلمیت حضرت در علوم قرآنی، کتابت وحی نبوی در مکه و مدینه، بهره بردن از محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر و تقدم حضرت در جمع قرآن پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به وصیت ایشان، بیانگر ارزش و اهمیت والای جمع آن حضرت است.



پی نوشت ها:

۱. مانند التمهید فی علوم القرآن؛ از محمد هادی معرفت، الاتقان فی علوم قرآن، سیوطی، مناهل العرفان فی علوم القرآن از زرقانی.
۲. فیروز آبادی، مجد آبادی، قاموس المحيط، ص ۹۱۷؛ راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۰۱. و نیز: رک: ابن فارس، مقایس اللغة، ج ۱، ص ۴۷۹؛ فیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۲۴؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۵۳.
۳. زرقانی، محمد، مناهل، ج ۱، ص ۲۷۳.
۴. معرفت، محمد هادی، التمهید، ج ۱، ص ۲۸۵.
۵. زرقانی، محمد، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۰۵.
۶. رک: سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۵؛ زرقانی، محمد، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۵۰.
۷. رک: طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۲۸؛ زنجانی، ابو عبد الله، تاریخ القرآن، ص ۴۴.
۸. رک: زنجانی، ابو عبد الله، تاریخ القرآن، ص ۱۰۱.
۹. رک: معرفت، محمد هادی، التمهید، ج ۱، ص ۳۰۹.
۱۰. زنجانی، ابو عبد الله، تاریخ قرآن، ص ۱۰۱.
۱۱. همان، ص ۱۰۲.
۱۲. رک: سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۴.
۱۳. رک: معرفت، محمد هادی، التمهید، ج ۱، ص ۳۰۹.
۱۴. زنجانی، ابو عبد الله، تاریخ قرآن، ص ۱۰۱.
۱۵. معرفت، محمد هادی، التمهید، ج ۱، ص ۳۲۷.
۱۶. رک: همان، ص ۳۱۲.
۱۷. زرقانی، محمد، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ص ۲۶۱.
۱۸. همان، ص ۱۶.
۱۹. رک: معرفت، محمد هادی، التمهید، ج ۱، ص ۲۸۵.
۲۰. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۳.
۲۱. سجستانی، ابوبکر، المصاحف، ص ۱۶؛ الدقاق، عبدالله، حقیقة المصحف الامام علی عند الفریقین، ص ۲۱۰.
۲۲. رک: معرفت، محمد هادی، التمهید، ج ۱، ص ۲۸۵.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۸؛ فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۷۵.
۲۴. مجلسی، همان، ص ۴۱.
۲۵. همان.



۲۶. کلینی، محمد. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۳.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۱.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۳؛ فیض کاشانی، ملاحسن، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۸۴.
۲۹. معرفت، محمد هادی، التمهید، ج ۱، ص ۲۹۰.
۳۰. فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۷.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۲.
۳۲. انواری، جعفر، قرآن در آینه تاریخ، ص ۳۲۸.
۳۳. زرقانی، محمد، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۴۹.
۳۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ص ۱۲۸۴.
۳۵. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۱.
۳۶. همان، ص ۱۸۵؛ زرکشی، بدرالدین، البرهان، ج ۱، ص ۳۰۰.
۳۷. همان، ص ۱۸۴.
۳۸. خوبی، ابوالقاسم، البیان، ص ۲۴۳.
۳۹. رامیار، تاریخ قرآن، ص ۳۲۸.
۴۰. زرقانی، محمد، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۵۴.
۴۱. همان، ص ۲۵۳.
۴۲. رک: همان، ص ۱۱۷؛ عقلمانی، ابن حجر، فتح الباری، ج ۹، ص ۱۰.
۴۳. همان.
۴۴. معرفت، محمد هادی، التمهید، ج ۱، ص ۳۳۱.
۴۵. بخاری، محمد اسماعیل، بخاری، ص ۱۲۸۵.
۴۶. رک: سجستانی، ابوبکر، المصاحف، همان، ص ۲۴.
۴۷. رک: همان، ص ۳۰؛ معرفت، محمد هادی، التمهید، ج ۱، ص ۳۳۶.
۴۸. رک: همان، ص ۲۸.
۴۹. زنجانی، ابوعبد الله، تاریخ قرآن، ص ۱۳۴.
۵۰. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۳۹۶.
۵۱. زرقانی، محمد، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۸۹.
۵۲. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۷؛ زرکشی، همان، ص ۳۰.
۵۳. رک: همان، ص ۲۶۱.
۵۴. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۸.



۵۵. زرقانی، محمد، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۶۲.
۵۶. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۸.
۵۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۳...
۵۸. سیوطی، همان، ج ۴، ص ۲۳۳؛ رک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۵۶۵.
۵۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۵.
۶۰. همان.
۶۱. همان، ص ۴۱.
۶۲. همان، ص ۷۸.
۶۳. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۹، ص ۶۳۲.
۶۴. ناصحیان، علی اصغر، مصحف علی علیه السلام از منظر احادیث، آموزه های قرآنی، ش ۱۲، ص ۹۰.
۶۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۸.
۶۶. خویی، ابوالقاسم، البیان، ص ۲۴۳.
۶۷. زرقانی، محمد مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۵۵.
۶۸. رامیار، محمد، تاریخ قرآن، ص ۳۰۰.
۶۹. زرقانی، همان.
۷۰. سیوطی، همان، ج ۴، ص ۲۳۲ و نیز: متقی مندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۳۵۳.
۷۱. سیوطی، همان.
۷۲. همان.
۷۳. متقی مندی، کنز العمال، ج ۲، صص ۵۶۶ - ۳۵۳.
۷۴. حجتی کرمانی، محمد باقر، امیر المومنین، اولین جامع قرآن، بینات، شماره ۲۸، ص ۸۷.
۷۵. زرقانی، محمد، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۵۵.
۷۶. همان.
۷۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۰.
۷۸. حجتی کرمانی، محمد باقر، همان، ص ۹۷.
۷۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۷۸.



منابع:

۱. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین، فتح الباری بشرح صحیح بخاری، ج ۹، قاهره دارالریان التراث، ۱۴۰۷ ق.
۲. ابن فارس، ابی الحسین احمد، مقاییس اللغة، ج ۱، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۱ ق.
۳. ابن منظور، محمد، لسان العرب، قم: ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۴. الدقاق، عبدالله علی احمد، حقیقه مصحف الامام علی عند الفریقین، قم: دلیل ما، ۱۳۸۸ ش.
۵. انواری، جعفر، قرآن در آئینه تاریخ، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۶. ایازی، سید محمد علی، مصحف امام علی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۷. بخاری محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۵.
۸. حجتی کرمانی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، چاپ ششم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۹. حجتی کرمانی، سید محمد باقر، امیر المومنین اولین جامع قرآن، بینات، ش ۲۸، ۱۳۷۹.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی التفسیر القرآن، چاپ هشتم، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۱ ق.
۱۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۶ ق.
۱۲. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۲ ق.
۱۳. زرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی العلوم القرآن، ج ۱، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۱ ق.
۱۵. زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، چاپ اول، دمشق: دارالحکمه، ۱۴۱۰ ق.
۱۶. سجستانی، ابوبکر عبدالله، المصاحف، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۱۷. سیوطی جلال الدین عبدالرحمان، الاتقان فی العلوم قرآن، ج ۴، چاپ سوم، بیروت: دارابن کثیر، ۱۴۱۶ ق.
۱۸. حسینی بحرانی، سید هاشم، مقدمه التفسیر البرهان، چاپ اول، بیروت: موسسه الا علمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق.





۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۱ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، چاپ دوم، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.
۲۱. فیروز آبادی، ابوظاهر مجد الدین، قاموس المحيط، ج ۲، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۷ق.
۲۲. فیض کاشانی، مولا محسن، تفسیر صافی، بیروت: موسسه العلمی للمطبوعات، ۴۰۲۰ق.
۲۳. فیومی، المصباح المنیر، مصر: جامع الازهر الشریف، ۱۳۴۷ق.
۲۴. کلینی، محمد ابن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ش.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار، ج ۹۲، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۶ ش.
۲۶. معرفت، محمد هادی، التمهید فی العلوم قرآن، ج ۱، چاپ دوم، قم، موسسه التمهید، ۱۳۸۸ ش.
۲۷. ناصحیان، علی اصغر، مصحف علی علیه السلام از منظر احادیث، آموزه های قرآنی، ش ۱۲، زمستان ۱۳۸۹ ش.
۲۸. هندی، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۲، تصحیح صفوه السقا، ج ۲، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.

